ریشه‌کنی فقر، ممکن یا نمایشی

پول‌های داعشی یا دوچرخه‌های اوگاندایی

مهسا علی‌بیگی

کمک به فقرا برای بعضی‌ها ژست است و برای بعضی دیگر دغدغه. یکی مثل گروه تروریستی داعش است که یک روز به فقرای موصل غذا می‌دهد و روز بعد چاه‌های نفت عراق را غارت می‌کند، تا به ثروت دوهزارو ۲۰۰ میلیاردی‌اش بیفزاید، یکی هم مثل «مویابی مویابی»، (Muyambi Muyambi) جوان ۳۰ ساله اوگاندایی است که چون به‌خاطر یک دوچرخه از مرگ نجات یافت، کمپین «دوچرخه علیه فقر» را راه انداخته تا همه هم‌وطنانش را صاحب دوچرخه کند. قصد و نیت هرچه باشد وجود ۱.۴ میلیارد نفر زیر خط فقر در جهان، یکی از واقعیت‌های دنیای امروز است که کاهش آن تبدیل به یکی از اهداف نهادهای ملی و بین‌المللی شده. درحال‌حاضر اهمیت معضل فقر به‌قدری است که امسال جایزه نوبل اقتصاد به «انگس دیتون»، اقتصاددان اسکاتلندی، برای تحلیل‌ها و تحقیقاتش در زمینه فقر و ثروت رسید.

عکس: مهدی حسنی، شرق

روزی برای ریشه‌کنی فقر

هر سال در روز ۱۷ اکتبر (۲۵ مهر) جهان مراسم روز ریشه‌کنی فقر را برگزار می‌کند. هر سال در این روز یک شعار و یک هدف تعیین می‌شود تا در طول سال تلاش‌ها در زمینه مبارزه با فقر در یک مسیر مشخص متمرکز شود. امسال شعار روز مبارزه با فقر «ساختن یک آینده پایدار: با هم برای پایان‌دادن به فقر و تبعیض» است و هدف سال پیش‌رو «ریشه‌کنی فقر در همه جای دنیا» در نظر گرفته شده که از نظر کارشناسان، هدفی بلندپروازانه محسوب می‌شود. بااین‌حال سازمان‌ملل متحد به‌عنوان متصدی برگزاری مراسم این روز، معتقد است این هدف با نصف‌شدن جمعیت زیر فقر در کل جهان تا سال آینده دست‌یافتنی است.

مجمع عمومی سازمان‌ملل متحد در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳ با تصویب قطع‌نامه ۱۹۶/۴۷، این روز را روز ریشه‌کنی فقر تعیین کرد تا نشان دهد «ترویج آگاهی درباره نیاز برای ریشه‌کن‌کردن فقر و فلاکت در همه کشورها» باید در دستور کار همه اعضای سازمان‌ملل متحد قرار گیرد. علاوه بر این در نشست سران سازمان‌ملل متحد برای تعیین برنامه توسعه هزاره در سپتامبر سال ۲۰۰۰، مبارزه با فقر نیز به‌عنوان یکی از اهداف توسعه هزاره سوم مطرح شد. با وجود این، سازمان‌ملل می‌گوید درحال‌حاضر ۸۳۶ میلیون نفر از مردم دنیا در فقر شدید زندگی می‌کنند. سازمان‌ملل متحد درآمد ۱.۲۵ دلار آمریکا در روز را خط فقر در نظر گرفته است که براساس این معیار، اکنون حدود یک‌پنجم مردم دنیا که در مناطق درحال‌توسعه زندگی می‌کنند، کمتر از ۱.۲۵ دلار در هر روز درآمد دارند. اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردمی که با درآمد کمتر از ۱.۲۵ دلار در روز روزگار می‌گذرانند، متعلق به دو منطقه جنوب آسیا و کشورهای جنوب صحرای آفریقا هستند. همچنین سازمان‌ملل می‌گوید نرخ فقر بالا اغلب در کشورهای کوچک و آسیب‌دیده از جنگ وجود دارد و جنگ و فقر ناشی از آن تنها در سال ۲۰۱۴ منجر به آواره‌شدن ۴۲هزار نفر در هر روز شده است. یکی دیگر از مسائلی که جهان امروز با آن روبه‌روست و در صورت حل‌نشدن، آینده جهان نیز به خطر خواهد افتاد، رشد کودکان در وضعیت فقر و نداری است. سازمان‌ملل متحد می‌گوید اکنون از هر هفت کودک زیر پنج سال در جهان، یک نفر به رشد کافی سنش نرسیده که این معضل در نتیجه فقر و به‌ویژه فقر مواد غذایی اتفاق افتاده است.

اندازه‌گیری فقر؛ چند چالش

فقر اغلب توسط سطح درآمد و مصرف سرانه یا درآمد و مصرف هر خانوار اندازه‌گیری می‌شود. از نظر سازمان‌ملل، کسانی که درآمد کمتر از ۱.۲۵ دلار آمریکا در روز دارند، فقیر محسوب می‌شوند. بااین‌حال برخی معتقدند این معیار، فقر را آنچنان که باید نمایندگی نمی‌کند. مرکز آمار سازمان‌ملل متحد می‌گوید براساس معیار درآمد سرانه ۱.۲۵ دلار، در ۲۰ سال گذشته کاهش قابل‌توجهی در عمق و شدت فقر شدید در کشورهای درحال‌توسعه اتفاق افتاده است. درواقع با درنظرگرفتن این معیار فقر درآمد شدید به‌طرز قابل ملاحظه‌ای از سال ۱۹۸۱ تاکنون کاهش یافته است، زیرا اگر در این سال تعداد کسانی که با چنین درآمد روزانه‌ای زندگی می‌کردند بیش از ۱.۹ میلیارد نفر بود، اکنون این عدد به کمتر از ۱.۴ میلیارد رسیده است. اما به اعتقاد کارشناسان، این معیار این مسئله مهم را در نظر نمی‌گیرد که اکنون خط فقر دیگر درآمد ۱.۲۵ دلار آمریکا در روز نیست، بلکه اکنون برای اینکه کسی بتواند زنده بماند باید درآمدی حداقل دو دلار در هر روز داشته باشد. رشد اقتصاد جهانی در طول این ۲۰ سال باعث شده خط فقر هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای درحال‌توسعه تغییر کند. به‌علاوه، یکی از موضوعات مهم درباره فقر مسئله افزایش جمعیت است. برخی نظریه‌پردازان اقتصادی ازجمله «توماس مالتوس» معتقد بودند فقر مانع از رشد جمعیت است زیرا به‌خاطر نبود مواد غذایی لازم تمایل به زادوولد هم کم می‌شود اما داده‌های سازمان‌ملل متحد در این زمینه واقعیت دیگری را نشان می‌دهد. تا سال ۲۰۵۰، جمعیت جهان از ۹ میلیارد نفر بیشتر می‌شود و این جمعیت در کشورهای درحال‌توسعه ۲.۳ میلیارد

برای کمک به فقرا راه‌های زیادی وجود دارد و کمپین‌های زیادی هم در سراسر دنیا و حتی در کشور خودمان شکل گرفته است. رساندن مستقیم پول و کالا طرفداران زیادی هم دارد و با گسترش رسانه‌های مجازی این شیوه آسان‌تر هم شده است. برای مثال اکنون بسیاری از مؤسسات خیریه سراسر جهان در فضای مجازی نیز فعالیت می‌کنند و گاهی کمک‌کردن به نیازمندان تنها ازطریق یک کلیک امکانپذیر است

نفر رشد خواهد داشت. انتظار می‌رود جمعیت کشورهای درحال‌توسعه به ۷.۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ برسد. در مقابل، انتظار می‌رود جمعیت مناطق توسعه‌یافته افزایش کمی داشته باشد و از ۱.۲۳ میلیارد نفر به ۱.۲۸ میلیارد نفر برسد. اگرچه اندازه‌گیری فقر مبتنی بر درآمد، حساس به رشد جمعیت است، تجزیه و تحلیل دقیق داده‌های سازمان‌ملل در زمینه فقر و جمعیت هیچ پشتیبانی برای این ادعای مالتوس که فقر و به‌ویژه نبود مواد غذایی مانع از رشد جمعیت می‌شود، فراهم نمی‌کند. نکته جالب اینکه اتفاقا بسیاری از خانواده‌های با درآمد پایین فرزندان بیشتری به دنیا می‌آورند به این امید که تعداد زیاد کودکان که برای آنها نیروی کار محسوب می‌شوند، بتوانند تغییری در درآمد سرانه‌شان ایجاد کنند. دانستن اینکه فقر به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه شیوع بیشتری دارد و افزایش سریع جمعیت نیز در کشورهای در حال توسعه مورد انتظار است، اهمیت داشتن سیاست‌های مناسب برای ترویج رشد اقتصادی پایدار و تحول ساختار اقتصادی برای اطمینان از کاهش فقر برای همیشه را برجسته می‌کند.

از اقدامات فردی تا فشار به دولت

برای کمک به فقرا راه‌های زیادی وجود دارد و کمپین‌های زیادی هم در سراسر دنیا و حتی در کشور خودمان برای کمک به فقرا شکل گرفته است. رساندن مستقیم پول و کالا به دست نیازمندان یکی از مهم‌ترین این اقدامات است که طرفداران زیادی هم دارد و با گسترش رسانه‌های مجازی این شیوه آسان‌تر هم شده است. برای مثال اکنون بسیاری از مؤسسات خیریه سراسر جهان در فضای مجازی نیز فعالیت می‌کنند و گاهی کمک‌کردن به نیازمندان تنها ازطریق یک کلیک امکانپذیر است. با این وجود کمپین‌های زیادی نیز در سراسر جهان شکل گرفته است که به‌جای کمک مالی مستقیم به نیازمندان، سیاست‌گذاری در زمینه ریشه‌کنی فقر را هدف خود قرار داده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین کمپین‌های موجود در زمینه ریشه‌کنی فقر «فراخوان جهانی برای اقدام علیه فقر» (The Global Call to Action Against Poverty) است. این کمپین در سال ۲۰۰۵ با حدود ۳۸ میلیون نفر در بیش از ۷۵ کشور شروع کرد و تنها در طول یک سال ۱۰ کشور و ۲۳ میلیون نفر دیگر در سراسر جهان به آن پیوستند. این کمپین در کنفرانس علیه فقر در ژوهانسبورگ اعلام موجودیت و از اول ژانویه ۲۰۰۵ رسما کار خود را شروع کرد. در طول ۱۰ سال گذشته این کمپین به سرعت رشد کرده و اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین کمپین مبارزه با فقر در جهان شناخته می‌شود و درحال‌حاضر بیش از هزار سازمان عضو و میلیون‌ها طرفدار در سراسر جهان دارد. این کمپین در صفحه رسمی خود اعلام کرده است:« تنوع زیادی در میان اعضای ما وجود دارد، اما می‌دانیم اگر با هم کار کنیم مؤثر خواهیم بود. ما در تلاش برای رسیدن به توافق مطلق در سیاست‌هایمان نیستیم، اما می‌خواهیم به دولت‌های خود برای ریشه‌کن‌کردن فقر، کاهش چشمگیر نابرابری و رسیدن به اهداف توسعه هزاره فشار بیاوریم.» این کمپین نماد ربان سفید را برای خود انتخاب کرده و هر سال در روز جهانی ریشه‌کنی فقر فعالیت‌های بسیاری را در این زمینه به انجام می‌رساند برای مثال در این روز هزاران نفر با ربان‌های سفید در کشورها دست به پیاده‌روی می‌زنند تا دولت‌هایشان را مجبور کنند که به موضوع فقر توجه کنند.یکی دیگر از کمپین‌های فعال در جهان برای مبارزه با فقر «فقر را به تاریخ تبدیل کنیم» (Make Poverty History) است. این کمپین در سال ۲۰۰۶ تشکیل شد. یکی از کارهایی که طرفداران این کمپین انگلیسی انجام می‌دهند فرستادن ایمیل به مقامات کشورشان است. این شیوه هیچ خرجی ندارد اما با این کار مسئولان دولتی متوجه اهمیت توجه به موضوع فقر در کشورشان می‌شوند. طرفداران این کمپین تاکنون ۴۴۴هزار ایمیل در مورد فقر به نخست‌وزیر انگلیس فرستاده‌اند.اما یکی از جالب‌ترین کمپین‌های موجود علیه فقر در جهان کمپین «دوچرخه علیه فقر» است. این کمپین از دوچرخه برای افزایش دسترسی به منابع حیاتی، تسهیل همکاری جامعه و ایجاد مهارت‌های مدیریت مالی در میان کارآفرینان کم‌درآمد بهره می‌گیرد. کمپین دوچرخه علیه فقر در شرق آفریقا، به‌طور خاص با تمرکز بر منطقه گولو، در شمال اوگاندا فعالیت می‌کند، البته این کمپین قصد دارد خودش را گسترش دهد و این کار را در تمام آفریقا به انجام برساند. داستان این کمپین خیلی ساده است؛ «مویابی مویابی»، یک پسر اوگاندایی به مالاریا مبتلا می‌شود و با دوچرخه یکی از همسایگان به بیمارستان می‌رسد و از مرگ نجات پیدا می‌کند، اما همه کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند چنین شانسی ندارند به همین دلیل دسترسی به این وسیله ساده تبدیل به هدف این پسر شد تا مردم کشورش را نجات دهد. امروز کسی که در اوگاندا دوچرخه داشته باشد به بیمارستان، آب سالم و کار دسترسی خواهد داشت. مویابی درحال‌حاضر در آمریکا زندگی می‌کند اما از سال ۲۰۰۷ که این کمپین را راه‌اندازی کرده است تاکنون تلاش‌های بسیاری را برای تهیه دوچرخه به هم‌وطنانش به انجام رسانده؛ تلاش‌هایی مثل دادن وام به اشخاص برای تهیه دوچرخه یا به کار گماشتن فقرا برای ساخت دوچرخه.

نسخه سالم مستند «نیشدارو» پس از ۳۷ سال به نمایش درآمد

مستند «نیشدارو»، ساخته «منوچهر انور»، مستندساز و گوینده ایرانی، در مؤسسه رخداد تازه اندیشه به نمایش درآمد. اگرچه پیش از این، نیشدارو یک‌بار سال ۱۳۸۳ در خانه هنرمندان ایران و بار دیگر سال گذشته در قالب یکی از برنامه‌های سلسله‌نشست‌های «پلک تهران» به نمایش درآمده بود، اما نسخه‌های به‌نمایش‌درآمده در این دو برنامه دچار مشکل فنی بود و در نمایش عمومی که با حضور خود مستندساز در مؤسسه رخداد تازه اندیشه صورت گرفت، برای اولین‌بار پس از انقلاب اسلامی نسخه سالم و اصلاح‌شده این مستند به نمایش درآمد.

مستند نیشدارو در سال ۱۳۴۳ و به سفارش سازمان برنامه برای معرفی مؤسسه سرم‌سازی رازی ساخته شد اما به اعتقاد صاحب‌نظران، منوچهر انور از این موضوع سفارشی یکی از درخشان‌ترین آثار مستند تاریخ سینمای ایران را بیرون کشید. اما این مستند پس از ساخت مورد بی‌مهری مسئولان وقت سازمان برنامه قرار گرفت و به‌همین‌دلیل انور مجبور شد کار مونتاژ اثر را با هزینه و ارتباطات شخصی خودش انجام دهد. اما با وجود این بی‌مهری، نیشدارو موردتوجه مستندسازان ایرانی و خارجی قرار گرفت و قبل از انقلاب بارها در جشنواره‌های متفاوت به نمایش درآمد. پس از انقلاب نیز این مستند مهجور ماند تا اینکه پس از برگشتن منوچهر انور از فرانسه و مصاحبه‌هایی که با مطبوعات داخلی داشت، دوباره اسم نیشدارو سر زبان‌ها افتاد و مستند برای اولین‌بار در سال ۱۳۸۳ نمایش داده شد. با وجود این، دور صدای مستند در تبدیل فیلم ۳۵ به ویدئو دچار اشکال شده بود و حتی وقتی نیشدارو در سال ۱۳۹۳ برای بار دوم نمایش داده شد، باز هم اشکال سر جایش بود. دومین نمایش نیشدارو با حضور خود انور صورت گرفت و تازه آنجا بود که مستندساز به این مشکل فنی اشاره کرد. امسال مؤسسه رخداد تازه اندیشه در ادامه سلسله‌نشست‌های «مستند و جامعه» خود نسخه اصلاح‌شده نیشدارو را به نمایش گذاشت. سلسله‌نشست‌های مستند و جامعه این مؤسسه قصد دارد خوانش متفاوتی از مستندهای اجتماعی ارائه دهد. به‌همین‌دلیل بیش از آنکه نقد هنری و زیبایی‌شناسی آثار موردتوجه این مؤسسه باشد، پس از نمایش هر اثر، نقد اجتماعی آن صورت می‌گیرد.

یکشنبه ۱۹ مهر رخداد تازه اندیشه نیشدارو را با حضور، «بهرنگ صدیقی»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه علم‌وفرهنگ و «آذر تشکر»، جامعه‌شناس، به نمایش گذاشت. انور، کارگردان اثر، پس از نمایش این مستند درباره آن گفت: «نیم‌قرن پیش که من این مستند را ساختم، فیلم‌سازی کار ساده‌ای نبود زیرا وزارت فرهنگ و هنر وقت بیش از هر چیز از ساخت و پخش فیلم‌هایی استقبال می‌کرد که خواسته‌های سیستم و نظام حاکم را ارضا می‌کرد». او درباره جریان ساخت فیلم گفت: «سازمان برنامه در آن زمان متصدی فعالیت‌های گسترده از سدسازی، جاده‌سازی، برنج‌کاری تا هر فعالیت دیگری در جهت پیشرفت مملکت بود. ما فیلم‌سازان هم از دست وزارت فرهنگ و هنر خسته بودیم چون چیزهایی از ما می‌خواست که باب دلمان نبود. به همین دلیل توسط حشمت جزنی، مشاور وقت سازمان برنامه که یکی از دوستانم بود، دعوت شدم که برای برنامه‌سازی درباره امورات جاری این سازمان به استخدام آن دربیایم». او ادامه داد: «من به این شرط حاضر به انجام این کار شدم که بتوانیم از این فیلم‌ها تجربه‌های هنری هم به دست دهیم. جزنی از این نگاه بسیار استقبال کرد و بنابراین مطالعات ما آغاز شد. در مطالعه اولیه بیش از ۱۲۰ سوژه درباره اتفاقات مختلفی که در کشور در حال انجام بود، بیرون آمد که مؤسسه سرم‌سازی رازی هم یکی از آنها بود». این مستندساز تأکید کرد: «اگرچه من فارغ‌التحصیل هنرهای دراماتیک از انگلیس بودم اما تا آن موقع فیلم نساخته بودم ولی فیلم‌سازی برایم حسرت و آرزو بود. به‌همین‌دلیل دوست داشتم سخت‌ترین کار را انجام دهم. سخت‌ترین کار همین مؤسسه رازی بود چون هیچ‌کس نمی‌توانست با موضوع کارشان ارتباط برقرار کند ولی من معتقد بودم حتی موش و خوکچه و خرگوش هم به اندازه بقیه چیزهایی که برایمان ارزشمند است، ارزش ساخت فیلم را دارند». اما ساخت فیلم پس از مدتی دچار مشکلاتی شد که انور آنها را این‌گونه شرح داد: «ساخت فیلم یک سال طول کشید زیرا در این مدت کارشکنی‌های بسیاری صورت گرفت. بعد از مدتی هم جزنی و کسانی که نگاه مثبتی نسبت به این کار داشتند از سازمان برنامه رفتند و یک باند دیگر جایشان را گرفت. همین باند و باندبازی باعث شد من را هم که با سازمان قرارداد داشتم، اخراج کنند و اجازه مونتاژ مستند را هم به من ندهند. قسمت تراژیک ماجرا همین است که اگر این باند و باندبازی‌ها نبود ده‌ها فیلم از این‌دست ساخته شده بود. بعد از این اتفاق از طریق غلامحسین مصاحب که از دوستانم بود، توانستم راش‌ها را از سازمان بگیرم و آنها را به استودیو ایران‌فیلم بردم و مونتاژ کردم ولی پس از نمایش فیلم در کانون فیلم، نیشدارو هم در ایران و هم در خارج از کشور بسیار موردتوجه قرار گرفت ».

مدرنیته ایرانی در مستند علمی

«بهرنگ صدیقی»، جامعه‌شناس، درباره این مستند گفت: «از دیدگاه من فیلم به‌شدت خشن است. خشونتی که در فیلم وجود دارد نه‌تنها دیده می‌شود، بلکه حس و لمس هم می‌شود و من به‌عنوان بیننده، درد همه سوژه‌هایی را که خشونت به آنها اعمال می‌شود، حس می‌کنم. نشان‌دادن این درد و خشونت کار ساده‌ای نیست». او درباره این خشونت گفت: «این خشونت، همان خشونتی است که علم پزشکی بر همه سوژه‌هایش اعمال می‌کند و این خشونت هم به بهترین شکل در فیلم به نمایش درآمده است؛ آنجا که در آزمایشگاه مؤسسه سرم‌سازی رازی پزشکان به‌گونه‌ای نمایش داده می‌شوند که گویی آدم نیستند و نسبتی با اخلاق ندارند. در مقابل این خشونت سوژه‌ها مقاومت می‌کنند مثل موش‌هایی که از دست مسئولان آزمایشگاه فرار می‌کنند». صدیقی با طرح این سؤال که چرا باید این خشونت عریان را تحمل کنیم؟ گفت: «فیلم پاسخی به این سؤال است که چرا باید خشونتی را که علم پزشکی اعمال می‌کند، تحمل کنیم؟ فیلم می‌گوید درست است که علم پزشکی خشونت می‌ورزد، اما برای هدفی که خیرخواهانه است این کار را می‌کند این هدف خیرخواهانه چیزی نیست جز امنیت». این جامعه‌شناس تأکید کرد: «این خشونت مختص علم پزشکی نیست، بلکه مربوط به هر امر مدرن دیگری نیز است. همه نهادهای مدرن مثل آموزش و دولت نیز همین منطق را پشت خود دارند و هم‌کناری خشونت و امنیت بن‌مایه زندگی مدرن است. یکی از گفتارهای فیلم این جمله است: دفع هر زهری فقط با پادزهری میسر است که از خود آن زهر گرفته شده باشد. این جمله را می‌توان این‌گونه نیز بیان کرد: دفع هر خشونتی فقط با امنیتی میسر است که هم‌جنس همان خشونت است. اگرچه می‌توان درباره این هم‌کناری خشونت و امنیت دو موضع گرفت». صدیقی در تشریح این دو موضع گفت: «موضع خوشبینانه به این خشونت که فیلم همچنین موضعی به علم مدرن دارد، این است که پیامد خشونت، امنیت است. با توجه به شرایط زمانی ساخت فیلم، چنین نگاهی به علم و مدرنیته قابل درک است اما موضع بدبینانه نقد این خشونت مدرن است که فیلم‌های زیادی را با چنین رویکردی به علم مدرن می‌توان یافت». در ادامه «آذر تشکر»، جامعه‌شناس، نیز درباره این مستند گفت: «چیزی که درباره این مستند قابل توجه است، نگاه فیلم‌ساز به جنبه‌های مدرن امر آموزش است. امروز ما در زمینه آموزش به این نتیجه رسیده‌ایم که آموزش نباید با انسان‌ها فاصله داشته باشد و باید با آنها و زندگی‌شان در ارتباط باشد. نیشدارو نیم‌قرن پیش چنین نگاهی به مسئله آموزش دارد. امروز در نتیجه بازنگری‌هایی که در امر آموزش مدرن صورت گرفته است، آموزش با زندگی روزمره ترکیب شده، اتفاقی که در این مستند افتاده، همین است. این مستند با حذف مسائل علمی غامض، موضوعات علمی و فنی را بسیار ملموس و قابل فهم برای همگان مطرح می‌کند. این رویکرد سال‌ها پس از ساخت این مستند در آموزش مدرن ایران جا باز کرد».

یک مفهوم

فقری که ما نمی‌شناسیم

در سوره‌های مختلف قرآن کمک به نیازمندان و فقرا مورد توجه قرار گرفته است. در مقالات دانشگاهی که به بررسی دیدگاه فقر در اسلام و نهج‌البلاغه پرداخته شده آیه‌های ۲۵ سوره فاطر آیه‌های ۲۵،۲۷۳ و ۲۶۸ سوره بقره آیه‌های هفتم و هشتم سوره ضحی، آیه پنجم سوره قصص، آیه ۴۱ سوره روم و حکمت‌های ۳۲۸، ۳۱۹، ۱۶۳ و خطبه ۲۲۵ نهج‌البلاغه را به‌عنوان مصداق‌های کلمه «فقر» اعلام کرده‌اند. هرچند در کمال تعجب معنای لغوی فقر دلالت بر فراخی و گشودگی در چیزی مانند عضو بدن دارد، اما فقیر به کسی گفته می‌شود که ستون فقرات پشتش به وسیله ذلت و بیچارگی شکسته است. فقیر در نزد عرب به معنی محتاج است. اما نکته‌ای که بسیاری مواقع فراموش می‌کنیم این است که تنها به فقر از منظر نیاز مادی و رفع حوائج پرداخته نمی‌شود، بلکه فقر را مذموم می‌داند و تأکید دارد که می‌تواند سرآغاز فقرهای دیگر و زمینه‌ساز آسیب‌های دیگر روحی باشد. هرچند در مواردی از آیه‌های قرآن فقر به‌عنوان نیازهای مادی است اما نباید فراموش کنیم دعای پیامبر(ص) این‌چنین است: «خدایا مرا به واسطه فقر به خودت غنی گردان و مرا به واسطه استغنای از خودت فقیر مگردان». در قرآن کریم بارها از فقر به‌عنوان عامل منفی در زندگی انسان یاد شده است و از همه مهم‌تر اینکه فقر فکری را هم سبب گمراهی می‌داند. همچنین ضدارزش‌بودن فقر چون سبب مسائل دیگر می‌شود را هم تذمیم کرده است. حتی حضرت‌علی(ع) هم فرموده است: «خدایا آبرویم را با بی‌نیازی نگه‌دار و با تنگدستی شخصیت مرا لکه‌دار مفرما» و در جایی دیگر تأکید کرده‌اند: «فقر، مرگی بزرگ است». و تشریح کرده‌اند: «هرکس به فقر مبتلا گردد به چهار خصلت گرفتار شود: ضعف

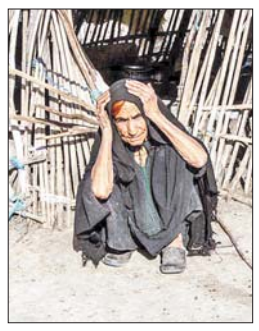

تعیین، نقصان عقل، سستی دین و کم‌حیایی. پس باید از فقر به خدا پناه برد». و عجیب‌تر آنکه خداوند در آیه ۲۸ سوره توبه می‌فرماید: «اگر از فقر می‌ترسید، خداوند آن را به‌زودی برطرف نموده و شما را غنی می‌سازد».

وقتی قرآن و متون اسلامی را مطالعه می‌کنیم دلایل زیادی برای بدی و مصیبت فقر پیدا می‌کنیم. اینکه بزرگان دین تأکید کرده‌اند نیازمندان را دریابید از همین‌روست که فقر می‌تواند سرچشمه فجایع دیگر باشد؛ سرچشمه فراموشی حیا و حرمت به خود، سرچشمه رفتن به سراغ نیازهای فرهنگی، سرچشمه گریز از آنچه فکر و اندیشه را تعالی بخشد. یکی از نکته‌هایی که همواره شنیده‌ایم این بود که اگر همسایه‌ات سر گرسنه زمین بگذارد، مسلمان نیستید. هرچند در روزگار کنونی و با تبلیغات کلیشه‌ای سیما این باور به مخاطب القا می‌شود که اسلام تنها فقر را از زاویه جسم و مادی می‌داند. اما توجه به این نکته که فقر فرهنگی نیز از نکته‌های مهمی است که از همان ابتدا در قرآن به آن توجه شده، روبه‌روشدن با این مسئله از زاویه‌ای دیگر است. در فرهنگ ما همواره کمک به همنوع به صورت مخفیانه و با آبرو بوده است. حضرت‌علی(ع) و بسیاری از خیران واقعی همواره سعی داشته‌اند ناشناس باقی بمانند شاید هم درنهایت این شیوه‌ای که بسیاری در پیش گرفته‌اند، بتواند نیاز انسان‌ها را کمی برطرف کند تا بتوانیم به مرحله دیگر برطرف‌کردن نیاز فرهنگی گام برداریم؛ همان مرحله‌ای که قرآن و متون اسلامی ما بارها به آن اشاره کرده‌اند.

نگاه

۵ پرده از فقر

پرده اول

امسال در هفته کودک در گوشه و کنار ایران و تهران برنامه‌های مختلف علمی و فرهنگی و تاریخی برگزار شد. از شمال تهران تا مرکز اهواز. برنامه‌های شاد و داستان‌خوانی و شعرخوانی. نهادهای فعال کودک در کانون پرورش فکری و کاخ نیاوران تهران به طور خاص مستقر شده بودند. کودکان کار، کودکان بدسرپرست، کودکان زیرمجموعه خود را به تماشا آورده بودند تا بتوانند این روز را برای‌شان هیجان‌انگیز و متفاوت کنند؛ کودکانی که شاید در روزهای دیگر از خیل کودکان خیابانی آشنا بر سر چهارراه‌ها و پشت چراغ قرمز باشند. رفتن به کاخ‌های کوچک و بزرگ و عبور از چمن و گذشتن از زیر درختان بزرگ بخشی از هیجان‌های آن روز بود. کودکان چمن سبز را فرصتی برای غلت‌زدن می‌دانستند و از جوی باریک می‌پریدند. در یکی از کاخ‌ها عروسک‌های دهه‌های مختلف ۳۰، ۴۰، ۵۰ در قفسه‌ها در میانه سالن چیده شده بود، بخشی از مجموعه‌ای که در موزه عروسک ملل برپاست. در وسط یکی از سالن‌های بزرگ هم میزهای کوچک گذاشته شده بود و می‌شد نقاشی کرد. لباس‌های فرح پهلوی -ملکه- نیز از رخت‌آویزهایی آویزان بود. قطعا لباس‌های آن‌چنانی‌اش نبود؛ همان‌هایی که خیاط‌های خاص داشتند و پارچه‌هایش از کارگاه‌های مخصوص پارچه‌بافی و زربافت‌بافی‌اش بیرون می‌آمدند. شاید لباس‌هایی عادی که می‌شد در خانه بیشتر افراد آن زمان پیدا کرد و اکنون بسیار رنگ‌ورورفته و ازمدافتاده به نظر می‌رسد. تزئینات سالن‌های بزرگ نیز همین حس را می‌داد، حتی به کودکان که چندان از قیمت‌شان سر در نمی‌آوردند و فقط به نظرشان معمولی و حتی نازیبا بود. اما کمی آن طرف‌تر اتاق‌خواب‌های سه شاهزاده بود؛ یکی دختر نوجوان، دیگری نوزادی دختر و دیگری پسرکی. پسرکان و دخترکان کار سرهای‌شان را بر شیشه‌ای کلفت و دستان‌شان را دور صورت قرار داده بودند و با دقت می‌نگریستند؛ یک دستشویی-حمام صورتی، یک تخت چند عروسک. کمدها چوب است با چند گل روی‌شان.

- من فکر می‌کردم همه‌چیزشان طلایی باشد، مگه شاهزاده نبوده.

- عجب شیر برنجی گذاشته وسط اتاقش؟ اون‌جا را، هواپیماش چوبیه، کنترلی نیست؟

- عروسک‌هایش چه زشته، اصلا باربی نداشته؟

پرده دوم

فیلمی از شبکه‌های ماهواره‌ای درباره توجه فرح پهلوی به مردم ایران برای برطرف‌کردن گرفتاری‌های‌شان به تازگی کشف و پخش شده است. او در این فیلم در گفت‌وگویی با شبکه‌ای آمریکایی در لحنی نمایشی گفته است ولیعهد را به مدرسه‌ای در کاخ می‌فرستادیم که ۲۰ نفر دیگر هم در آن تحصیل می‌کردند. نمی‌خواستیم او از بقیه جدا باشد.

پرده سوم

عکس‌هایی از سیسمونی در شبکه‌های مجازی منتشر شده است که پستانک طلا، سرشیشه طلایی، بخشی از آن بوده است. می‌گویند صاحب این سیسمونی اعلام کرده است داشته‌ام و خرج نوه‌ام کرده‌ام. می‌گویند یک میلیارد تومان برای خرید این وسایل خرج شده است.

پرده چهارم

قالیباف به‌عنوان شهردار تهران در جمع فعالان شورای محله‌ها گفته است: «فقر یکی از مواردی است که زیبنده شهر نیست و می‌توانیم آن را حل کنیم؛ فقرزدایی از شهر بدون دریافت هیچ کمکی از دولت و بدون استفاده از پول شهرداری است. دراین‌میان، باید از ظرفیت شهرداری برای فقرزدایی استفاده کنید، اما از پول شهرداری استفاده نکنید؛ می‌توانیم کاری کنیم که هیچ فردی در این شهر با شکم خالی سر بر بالین نگذارد و هیچ‌کس بی‌خانه نباشد. در ادامه مسیر ده‌ها اقدام این‌گونه وجود دارد و می‌توانیم دست به دست یکدیگر داده و این مسائل را حل کنیم».

پرده پنجم

بچه‌پولدارها صفحه‌ای در اینستاگرام راه انداختند و از تفریحات‌شان عکس گذاشتند. مردم اعتراض کردند، تمام عکس‌ها حذف شد. در یک شب دو تصادف شد یکی پورشه، یکی بی‌ام‌و. دختر راننده پورشه کشته شد و بیش از ۲۰ هزار کامنت دشنام نثار او شد. ماجرای مدارس غیرانتفاعی از سال‌ها پیش بحث داغ است. در سال ۸۷ خبرگزاری فارس شهریه پیش‌دانشگاهی پسرانه‌ای در منطقه سه تهران را ۱۷میلیون‌و ۴۳۰هزار تومان اعلام کرده است.

گزارش فردا

یک غذا برای دیوار، یک لباس برای نیازمندان

شرق: محمدرضا هدایتی که چندوقتی است رستوران خود را با نام «لندو» در پاسداران به راه انداخته، در یک اقدام ابتکاری، فرصتی را برای پذیرایی از محرومان، کودکان کار و دیگر اقشار نیازمند جامعه فراهم کرده است. روش کار آن‌طور که خودش به «شرق» می‌گوید، روش ساده‌ای است: «میهمانان رستوران می‌توانند در طرح دیوار شرکت کنند. در این طرح، میهمان رستوران هر تعداد پرس غذایی که بخواهد را سفارش می‌دهد و پس از پرداخت هزینه، فیش او را روی دیوار رستوران نصب می‌کنیم. زمانی که تعداد این فیش‌ها به حد نصاب برسد ما آماده‌ایم که غذای سفارش‌شده این فیش‌ها را در اختیار مؤسسات خیریه، ان‌جی‌اوها و گروه‌هایی قرار بدهیم که در کار حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند». پیش‌تر در بسیاری از کشورهای دنیا، مشتریان رستوران‌ها و کافه‌ها با این روش، می‌توانند در هزینه قهوه و غذای نیازمندان خود را شریک کنند اما اجرای ایده او در تهران، با استقبال گسترده مردم و حتی هنرمندان همراه بوده به‌طوری‌که بسیاری از هنرمندان شخصا در رستوران او حاضر شده‌اند و نان‌خرمایی دست‌پخت او را خورده‌اند و برای نیازمندان سفارش غذا داده‌اند. اما در سویی دیگر مردم بی‌ادعا می‌خواهند در حد وسع خود، گرهی از مشکلات اجتماعی هم‌نوعان این روزگار پرگره خود بگشایند؛ کمپینی مردمی در استان ایلام به راه افتاده که برنامه‌شان به‌دیوارآویختن لباس‌هایی است که دیگر از آن استفاده نمی‌کنند برای نیازمندانی که در آستانه فصل سرما، دل به مهر همشهریانشان بسته‌اند. سوری امیریان، یکی از اعضای این کمپین، دانشجوی رشته حقوق دانشگاه ایلام است که به «شرق» درباره کمپین «نیکی» می‌گوید: «این سنت از سال‌ها قبل در استان ایلام بوده و در روستاها، مردم با قراردادن وسایل غیرضروری‌شان در ورودی مساجد، تکایا یا دفاتر شورای محل و حتی در گوشه مغازه‌ها، آن را در اختیار دیگران می‌گذاشتند». به گفته امیریان، امسال مردم ایلام قرار است در مکان‌های تعبیه‌شده شهر، لباس‌هایی را که دیگر به آن نیازی ندارند برای نیازمندان آویزان کنند. او همچنین به موضوع خانه‌های بهداشت در روستاها هم اشاره می‌کند و خبر راه‌اندازی یک کمپین تازه را برای اولین‌بار با «شرق» در میان می‌گذارد: «قرار است از ابتدای دی‌ماه، چندنفر از دانشجویان پرستاری، مامایی، بهداشت کار و... به صورت رایگان به روستاهایی بروند که بارش برف امکان تردد به آنها را با مشکل مواجه کرده و در این روستاها، کودکان را مورد معاینه فصلی قرار دهند».